

سیاست جنایی ماهوی در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران

علیرضا جمشیدی*

احمد مظفری**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

چکیده

درک و ضرورت وجود یک سیاست جنایی خاص و کارآمد در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار همواره یکی از خلأهایی بود که جامعه حقوقی ما از آن رنج می‌برد. لذا قانون‌گذار با اهمیت دادن به این ضرورت، رفتارهای جنایی کودکان و نوجوانان را مورد توجه قرار داده و با توجه به وضعیت خاص آنان، به این قضیه به صورت ویژه‌ای نظر انداخته و راهکارها و واکنش‌های متعددی نسبت به آنها در قانون پیش‌بینی نموده است. یکی از این تحولات صورت گرفته در مقررات ماهوی در خصوص بزهکاری کودکان و نوجوانان، مربوط به پاسخ‌های انتخاب شده از این نوع بزهکاری است و این تحول را باید در راستای پیوستن ایران به پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ که در اواخر سال ۱۳۷۲ صورت گرفته است قلمداد نمود و از جمله می‌توان به پاسخ‌های اصلاحی، اجتماعی، تربیتی، پاسخ‌های کیفری تعدیل یافته و پاسخ‌های جایگزین مجازات اشاره کرد و در همین راستا نیز نهادهای جدیدی را در برخورد با آنها ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: مسؤولیت کیفری، مسؤولیت تدریجی، پاسخ‌های اجتماعی، جایگزین مجازات.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

jamshydy@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان (نویسنده مسؤول).

ahmad_mozaffari@yahoo.com

مقدمه

سیاست جنایی در مورد بزهکاری کودکان و نوجوانان، از سیاست جنایی بزرگسالان متمایز است و ریشه این تمایز را می‌توان در تفاوت کودک و بزرگسال و بزهکاری آنها و در نهایت، مختلف بودن پاسخ‌های برگزیده شده جستجو کرد. موضوع بزهکاری کودکان و نوجوانان با تصویب قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ برای نخستین بار با حدود مسؤولیت آنها مورد لحاظ قرار گرفت و بدین ترتیب در حقوق موضوعه ایران برای نخستین بار کودکان و نوجوانان در حیطه و قلمرو حقوق جزا و قانون مطرح گردید. در قانون فوق، حقوق کودکان بزهکار به سه گروه سنی دسته‌بندی شده بود. در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به تصویب رسید و با تصویب این قانون، مسیر تدوین و اجرای یک سیاست جنایی افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان بزهکار فراهم شد (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص ۶۳). پس از انقلاب، در سال ۱۳۵۸ یعنی سال نخست استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی به تصویب رسید. در این قانون، رسیدگی به کلیه جرایم به محاکم جزا محول گردید و به این ترتیب، دادگاه اطفال که بعد از سال ۱۳۳۸ تشکیل شده بود محمل قانونی خود را از دست داد. در سال ۱۳۶۱ قانون راجع به مجازات اسلامی به تصویب رسید و در این قانون مفهوم طفل و حدود مسؤولیت آن تعیین شد و اطفال مبری از مسؤولیت کیفری دانسته شدند و همین امر زمینه لازم برای تدوین یا اجرای یک رژیم مبتنی بر سیاست جنایی افتراقی را از بین برد. در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید و مقرراتی که در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ درباره طفل و مفهوم آن و حدود مسؤولیت جزایی وی آمده بود دگر باره مطرح شد. در سال ۱۳۷۳ پس از تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، با اختصاص برخی از شعب دادگاه‌های عمومی جهت رسیدگی به جرایم اطفال، به موجب اختیارات پیش‌بینی شده برای رئیس قوه قضاییه و پیش‌بینی برخی مقررات دادرسی به آنها بود. در سال ۱۳۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به تصویب رسید که فصل پنجم آن به ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص داده شد. ملاحظه می‌گردد که بار دیگر سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری اطفال به سمت گرایش‌های بین‌المللی مقابله با بزهکاری اطفال متمایل می‌شود و برای تدوین یک سیاست جنایی افتراقی در قبال بزهکاری اطفال، قوه قضاییه با همکاری یونیسف و اساتید دانشگاه‌ها، کمیسیون‌های تدوین

یک لایحه قضایی برای ایجاد دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل داد و حاصل کار این کمیسیون، تدوین لایحه‌ای حاوی پاره‌ای از مقررات در مورد حقوق کیفری ماهوی اطفال بود و قسمت عمده دیگر آن را مقررات مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان تشکیل می‌داد. این لایحه که از سوی این کمیسیون تهیه و تدوین شده بود تحت عنوان «لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان» از طریق دولت به مجلس تقدیم شد. این لایحه در سه دوره مجلس مورد تصویب قرار نگرفت تا اینکه سرانجام در مجلس گذشته کلیات آن به تصویب رسید ولی چون لوایح قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در مجلس مطرح بود، مجلس لایحه فوق را کنار گذاشت و در نهایت، بخش ماهوی لایحه را در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ گنجانده که در سال ۱۳۹۴ اجرایی گردید.

۱. مفاهیم، تعاریف و کلیات

با تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، مقررات ویژه‌ای برای حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار پیش‌بینی شد. با این وجود، مقررات ماهوی مربوط به بزهکاری اطفال و نوجوانان هنوز تا آن اندازه صورت نگرفته است که بتوان از شکل‌گیری حقوق کیفری خاص اطفال و نوجوانان بزهکار در ایران سخن به‌میان آورد؛ اما پاره‌ای از این مقررات که مربوط به مسؤولیت کیفری و انواع پاسخ‌های پیش‌بینی شده برای کودکان و نوجوانان بزهکار است نشان می‌دهد که تحولاتی در این زمینه در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ رخ داده است و این تحولات را می‌توان با در نظر گرفتن و تصویب این دو قانون در دو حوزه شامل یکی تدریجی کردن مسؤولیت کیفری و دیگری تنوع‌بخشی به پاسخ‌های پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ برای بزهکاری اطفال و نوجوانان دسته‌بندی نمود.

۱-۱. مفهوم مسؤولیت کیفری

برای بررسی مسؤولیت کیفری ابتدا باید مفهوم مسؤولیت روشن گردد. مفهوم مسؤولیت به‌معنای عام، تکلیف واردکننده زیان به پاسخگویی در مقابل دادگاه و برعهده گرفتن یا تحمل آثار مدنی، کیفری و انتظامی اعم از تکلیف یا الزام در مقابل بزه‌دیده یا اجتماع است (میرسعیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

مسئولیت کیفری یعنی تکلیف به پاسخگویی به اعمال مجرمانه و تحمل ضمانت اجرای کیفری برحسب شرایط و اشکالی است که در قانون مقرر شده است (فرج‌الهی، ۱۳۸۹، ص ۲۰-۲۱). اصطلاح مسئولیت کیفری از دو واژه «مسئولیت» و «کیفر» تشکیل شده است و در فرهنگ لغت، «مسئولیت» به معنای مورد بازخواست بودن انسان و غالباً به مفهوم تکلیف و تمکین آنچه آدمی عهده‌دار آن می‌باشد تعریف شده است. در تعریف مسئولیت کیفری اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. با این حال، مجموعه تعاریف ارائه شده از سوی حقوقدانان را در غالب یکی از سه تعریف زیر می‌توان قرار داد.

مسئولیت کیفری یعنی التزام شخص به تحمل آثار اعمال مجرمانه خود. در این تعریف، شخص در صورتی مسئول اعمال مجرمانه خواهد بود که اهلیت تحمل آثار اعمال خود را داشته باشد؛ یعنی دارای قوه ادراک و شعور بوده و از سلامت فکری برخوردار باشد و این یک تعریف بالفعل از مسئولیت کیفری می‌باشد (فرج‌الهی، ۱۳۸۹، صص ۲۰-۲۱).

مسئولیت کیفری یعنی قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل آثار عمل مجرمانه‌اش و این یک تعریف بالقوه از مسئولیت کیفری می‌باشد (فرج‌الهی، ۱۳۸۹، صص ۲۰-۲۱).

مسئولیت کیفری یعنی تحمل آثار سوء جرم و الزام به تحمل مجازات قانونی (میرسعیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۴). در این تعریف، مسئولیت کیفری بالقوه و بالفعل آمده است. لذا از یک سو، آثار زیان‌بار جرم به مجرم بار می‌شود و قانوناً ملزم به جبران خسارات و ضرر و زیان عمل خود می‌شود و از سوی دیگر، تحمیل مجازات قانونی است که برای آن عمل پیش‌بینی شده است که نتیجه منطقی داشتن مسئولیت کیفری است. هرچند که قانون‌گذار در یک تعریف کلی و بدون اشاره به قابلیت انتساب برای فعل یا ترک فعل، می‌داند که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است اما بدان معنا نیست که هرکس مرتکب چنین فعلی شود مسئول کیفر شناخته شده و مجازات می‌گردد. این اصل توسط بیشتر قانون‌گذاران پذیرفته شده است که تنها در صورتی می‌توان کسی را برای عملی که قانون آن را جرم شناخته است مجازات کرد که آن عمل در زمان ارتکاب، به وی قابل انتساب باشد. قابلیت انتساب ناظر به وضعیت شخص در زمان ارتکاب جرم است و زمانی عملی را می‌توان به فردی منتسب دانست که در زمان ارتکاب آن عمل، از درک و اراده برخوردار باشد. به عبارت دیگر، در قابلیت انتساب باید اثبات شود که مرتکب جرم قدرت تمیز لازم برای درک ارزش رفتار خود را داشته و باین حال، چنین رفتاری را به‌طور آزادانه اراده کرده است. با توجه به آنچه گذشت، برای

انتساب عمل مجرمانه باید داشتن دو توانایی تمیز و اراده احراز شود. با این حال، به صرف امکان قابلیت انتساب عمل مجرمانه به فرد نمی‌توان وی را از لحاظ کیفری مسؤول دانست. زمانی فرد از لحاظ کیفری مسؤول است که علاوه بر انتساب جرم، ارتکاب عمدی و مجرمیت وی نیز توسط قاضی احراز شود. پس از احراز عناوین سه‌گانه قابلیت انتساب، مجرمیت و اهلیت جزایی است که می‌توان از مسؤولیت کیفری به‌طور کل سخن به‌میان آورد. با این حال، بررسی مسؤولیت کیفری در مورد اطفال و نوجوانان با در نظر گرفتن عناصر نامبرده، شکل خاصی به‌خود می‌گیرد. از یک طرف، ارزیابی توانایی تمیز مستلزم تعیین حداقل سنی است که در آن تمیز قابل اجرا است. این امر، زمینه تعیین حداقل سن مسؤولیت کیفری را فراهم می‌آورد.

۲-۱. ارکان مسؤولیت کیفری و انواع آن

ارکان مسؤولیت کیفری عبارتند از: اهلیت جزایی و تقصیر. اهلیت جزایی خود از دو عنصر ادراک و اختیار تشکیل شده است. ادراک در حقوق جزایی، در معنای قدرت و توانایی بر درک و تمییز، ماهیت اطفال، آثار و تبعات اخلاقی و اجتماعی که بر آنها بار می‌شود به‌کار رفته است. با این وصف، اگر مجرم مُدرک و مختار نباشد مسؤول اعمال خود نیست. به‌همین جهت، تعریف و تعیین حد و مرز مسؤولیت کیفری در حقوق کیفری امری بسیار مهم است و یکی از این شرایط مهم مسؤولیت کیفری این است که شخص مرتکب، به سن معینی رسیده باشد.

۱-۲-۱. مسؤولیت کیفری مطلق و مسؤولیت کیفری نسبی

سن مسؤولیت کیفری^۱ در معنای خاص یا نسبی عبارت از سنی است که کودک به درجه‌ای از رشد و بلوغ برسد که بتواند مرتکب جرم تلقی شود و عیناً تابع حقوق کیفری ویژه کودکان قرار می‌گیرد. این سن در کشورهای مختلف متغیر است و گاهی بین ۷ تا ۱۶ سال در نوسان است. سن مسؤولیت کیفری مطلق (تام) یا سن بلوغ کیفری یعنی سنی که بزهکار بزرگسال تلقی شده و به‌طور تام مشمول حقوق جزا قرار می‌گیرد. این سن تقریباً در تمامی کشورها ۱۸ سال تعیین شده است.

1. Responsibility.

۱-۲-۲. مسؤولیت کیفری تدریجی

حد فاصل بین مسؤولیت کیفری و سن بلوغ کیفری، دوره ارفاقی ویژه‌ای است که دادرسی ویژه نوجوانان در آن معنا می‌یابد. مسؤولیت در معنای عام آن عبارت است از تعهد فرد برای پاسخ‌گویی به نتایج اعمال خود. این معنای مسؤولیت، بیشتر ناظر به آینده بوده و جنبه پاسخ‌گویی را بیش از هرچه مدنظر دارد. مسؤولیت در معنای خاص آن که همان مسؤولیت کیفری است، افزون بر پاسخ‌گویی، جنبه پاسخ‌پذیری فرد را نیز شامل می‌شود. منظور از پاسخ‌پذیری آن است که شخص مجرمیت خود را پذیرفته و خود را متعهد می‌سازد که به اعمال ارتکاب‌یافته توسط خود پاسخ گوید.

۱-۳-۱. سن مسؤولیت کیفری در ایران

قانون‌گذار با تفکیک جرایم تعزیری از جرایم حدود و قصاص و با روی‌گردانی از نظام مسؤولیت کیفری دفعی، نظام مسؤولیت کیفری تدریجی را در جرایم تعزیری پذیرفته است. طبقه‌بندی اطفال و نوجوانان در گروه‌های سنی بدون تبعیض جنسیتی، از مهم‌ترین جلوه‌های رویکرد جدید قانون‌گذار است. مسؤولیت در تعزیرات بر مبنای سن تدریجی است ولی در حدود و قصاص مسؤولیت بر مبنای بلوغ شرعی نهاده شده است. مسؤولیت کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال از نوع مسؤولیت کیفری کاهش یافته و بسیار خفیف‌تر از بزرگسالان است. سن عدم مسؤولیت کیفری مطلق در تعزیرات، زیر ۹ سال شمسی است و کودکان تا ۹ سال خواه ممیز باشند یا غیرممیز، مسؤولیتی نخواهند داشت و هیچ تصمیمی را نمی‌شود درباره آنها اتخاذ نمود. مسؤولیت نسبی کودکان از سن ۹ سال تمام شمسی آغاز می‌گردد و اشخاص ۹ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱۵ سال، در قبال نقص قوانین کیفری، واجد مسؤولیت نسبی هستند و صرفاً درباره آنها اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ خواهد شد. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ با تدریجی نمودن مسؤولیت کیفری کودکان، به یکی از مهم‌ترین ارکان مسؤولیت کیفری یعنی قوه تمیز یا رشد عقلی توجه نموده است. قانون‌گذار بنا به ملاحظات فقهی و تأمین نظر شورای نگهبان، معیار مسؤولیت در جرایم حدود و قصاص را سن بلوغ شناخته و همچون قوانین گذشته، از نظام مسؤولیت کیفری دفعی تبعیت نموده است. اما در کنار سن بلوغ، رشد جزایی را نیز به‌عنوان ضابطه‌ای بر تحقق مسؤولیت کیفری افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال شمسی پذیرفته است. مطابق این ضابطه، چنانچه در رشد جزایی این گروه از نوجوانان شبهه‌ای

وجود داشته باشد مسؤولیت کیفری آنان را از حد به تعزیر کاهش می‌دهد، چنانکه قانون‌گذار در تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند».

۲. پاسخ‌های قانونی و واکنش‌های قضایی به بزهکاری کودکان و نوجوانان

۱-۲. پاسخ‌های قانونی

یکی از تحولات صورت گرفته در مقررات ماهوی راجع به بزهکاری کودکان مربوط است به پاسخ‌های انتخاب شده از این نوع بزهکاری. این تحول در راستای پیوستن ایران در اواخر سال ۱۳۷۲ به پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ واقع شده است و می‌توان گفت که پاسخ‌های پیش‌بینی شده در قانون را به پاسخ‌های اجتماعی، پاسخ‌های تربیتی-اصلاحی، پاسخ‌های کیفری تعدیل یافته و پاسخ‌های جایگزین مجازات تقسیم‌بندی کرده است.

۱-۱-۲. پاسخ‌های اجتماعی

پاسخ‌های اجتماعی را می‌توان پاسخ‌های نشأت گرفته از عدالت ترمیمی دانست که با مشارکت جامعه مدنی و با هدف آموزش اجتماعی اطفال و نوجوانان بزهکار اعمال می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۳) و در قانون به شکل مجازات‌های ترمیمی در نظر گرفته شده است و هدف آن، تربیت اخلاقی کودک و ساختن وی در دنیای هنجارهای زندگی اجتماعی و هنجارهای حقوقی است. این تدابیر به جای آنکه در محیط بسته کانون اصلاح و تربیت اعمال شوند در بستر اجتماع به اجرا درمی‌آیند. بنابر این تدابیر، افزون بر رشد جنبه اجتماعی شخصیت کودک، استحکام رابطه وی با دنیای اجتماعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به سبب همین ویژگی است که این تدابیر جدید و مدرن برای اولین بار در قانون با هدف حسن اخلاقی کودک مورد اشاره قرار گرفته است.

۲-۱-۲. پاسخ‌های تربیتی-اصلاحی

پاسخ‌های تربیتی-اصلاحی را می‌توان پاسخ‌هایی دانست که هدف اصلاح اخلاقی را از طریق آموزش در مراکز ویژه اصلاح و تربیت دنبال می‌کند. این رویکرد را شاید بتوان از جمله سنتی‌ترین رویکردهایی دانست که در زمینه پاسخ به بزهکاری کودکان وجود

داشته است (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۵). قانون گذار در قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ با هدف اولویت دادن به امر اصلاح و تربیت، این تدبیر را برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ سال در نظر گرفته بود و در سال ۱۳۹۲ در بند ۸۸ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، در خصوص افراد ۱۲ تا ۱۵ سال «نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج» را مقرر نموده است و همچنین، در بندهای الف، ب و پ ماده ۸۹ همان قانون، برای افراد ۱۵ تا ۱۸ سال «نگهداری در کانون اصلاح و تربیت» برای جرایم تعزیری را در نظر گرفته است. همچنین، قانون مجازات اسلامی با مبری دانستن کودکان از مسؤولیت کیفری (ماده ۱۴۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲) راه حل اصلاح و تربیت را به عنوان تنها راه حل این نوع بزهکاری در نظر گرفته است.

۲-۱-۳. پاسخ‌های کیفری تعدیل یافته

بر خلاف قانون مجازات اسلامی سابق که کودکان زیر سن بلوغ را از مسؤولیت کیفری مبری دانسته بود، قانون مجازات اسلامی جدید کودکان بالاتر از سن بلوغ را به طور کامل مشمول رژیم مسؤولیت کیفری دانسته است (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۵) و در این قانون سعی نموده است که پاسخ‌های کیفری بزهکاری کودکان (نوجوانان) را با استفاده از راه حل‌های مختلف تعدیل کند و چنانکه مشاهده می‌گردد، در ماده ۸۹ این قانون پاسخ‌های در نظر گرفته شده برای کودکان زیر ۱۸ سال متفاوت از پاسخ‌های در نظر گرفته شده برای بزرگسالان است و به جای مجازات حبس، از نگهداری در کانون اصلاح و تربیت استفاده شده است و مجازات‌های در نظر گرفته شده، حداکثر به ۵ سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تعدیل شده است.

۲-۱-۴. پاسخ‌های جایگزین مجازات

گام دیگری که در راستای تعدیل پاسخ کیفری در قانون برداشته شده است پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین برای جرایم نوجوانان می‌باشد و افزون بر آن، برخی از مجازات‌ها همچون اعدام، شلاق و حبس، در راستای اجرای یک سیاست کیفری تعدیل شده برای کودکان و نوجوانان بزهکار پیش‌بینی نشده است (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۵)، چنانکه قانون گذار در تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا. مقرر نموده است: «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی

موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد».

۲-۲. واکنش‌های قضایی

قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای تعیین مسؤلیت کیفری، بین جرایم تعزیری و جرایم حدود و قصاص قائل به تفکیک شده است و با پذیرش قوه تمیز و رشد، در جرایم تعزیری مسؤلیت تدریجی را قبول نموده و برای آن واکنش‌های متفاوتی را در نظر گرفته است که می‌توان آن را به دو قسمت طبقه‌بندی نمود:

نخست) تصمیماتی که منجر به سلب آزادی از کودک یا نوجوان بزهکار نمی‌گردد، که بیشتر تدابیر غیربازداشتی بوده و در بستر جامعه به آن پاسخ داده می‌شود.

دوم) تصمیماتی که منجر به سلب آزادی از کودک و نوجوان بزهکار می‌گردد.

۲-۲-۱. واکنش‌هایی که منجر به سلب آزادی کودک یا نوجوان بزهکار نمی‌گردد.

۲-۲-۱-۱. تسلیم طفل یا نوجوان به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق او

قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید توجه خاصی به این امر نموده است و در بند الف ماده ۸۸ این قانون، تسلیم اطفال و نوجوانان بزهکار به خانواده (والدین یا سرپرست قانونی) را پیش‌بینی نموده و شرایطی را نیز در نظر گرفته است. در این ماده مقرر شده است: «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی ...».

در ماده فوق‌الذکر، تسلیم به والدین به دو صورت پیش‌بینی شده است:

نخست) تسلیم طفل یا نوجوان به والدین با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت.

دوم) تسلیم طفل یا نوجوان به والدین با اخذ تعهد به انجام اموری که دادگاه مطابق تبصره بند الف ماده یادشده آن را مصلحت می‌داند. طبق تبصره بند الف این ماده، «هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکاری اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین».

البته تسلیم طفل یا نوجوان به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با توجه به ماده مذکور باید با رعایت شرایط خاص انجام شود. در بیشتر کشورها سپردن طفل به والدین در رأس سایر تصمیمات محاکم رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان قرار دارد.

۲-۱-۲-۲. سپردن اطفال و نوجوانان به اشخاص حقیقی یا حقوقی

خانواده مؤثرترین نهاد در فرآیند جامعه‌پذیری افراد به‌شمار می‌رود، اما این محیط برای همیشه و به‌طور مطلق بستری مناسب برای تربیت اطفال و نوجوانان نخواهد بود (نیازپور، ۱۳۹۳، صص ۱۶۶-۱۶۵). گاه مشاهده می‌گردد که شماری از خانواده‌ها از انجام تکالیف قانونی خویش سر باز زده و چه‌بسا خود با تحریک اطفال و نوجوانان به بزهکاری، با آنها همراهی می‌کنند و اینجا است که تسلیم اطفال و نوجوانان بزهکار به این خانواده‌ها چندان مناسب نبوده و به‌همین جهت است که قانون‌گذار به‌جای سپردن آنها به والدین یا سرپرستان قانونی، خانواده‌های جانشینی را پیش‌بینی نموده است. در این راستا، بند ب ماده ۸۸ ق.م.ا تأکید نموده است که اطفال و نوجوانان بزهکار را می‌توان به اشخاص داوطلبی سپرد تا بر اساس دستورهای دادگاه، نسبت به چگونگی نگهداری و تربیت آنها اقدام کنند. به‌موجب ماده فوق، تسلیم نمودن اطفال و نوجوانان بزهکار به اشخاص داوطلب (حقیقی یا حقوقی) با شرایط زیر امکان‌پذیر است:

نخست) اطفال و نوجوانان بزهکار در رده سنی نه تا پانزده سال باشند.

دوم) جرم ارتكابی از جرایم تعزیری باشد. البته استفاده از این پاسخ نسبت به نابالغان مرتکب جرایم حدی و قصاص، به این شرط امکان دارد که در زمان ارتكاب جرم دوازده تا پانزده سال تمام داشته باشند (تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا).

سوم) والدین یا سرپرستان قانونی، صلاحیت نگهداری و تربیت اطفال و نوجوانان

خود را نداشته باشند یا به آنها دسترسی نباشد. بر اساس بند ب ماده ۸۸ ق.م.ا، در صورتی می‌توان نسبت به تسلیم اطفال و نوجوانان بزهکار به اشخاص حقیقی یا حقوقی داوطلب تصمیم‌گیری کرد که والدین یا سرپرستان قانونی این دسته از بزهکاران، آن‌گونه که در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۶) مقرر گردیده است، فاقد شایستگی اخلاقی بوده و در نتیجه برای اطفال و نوجوانان خطرناک باشند. در ماده ۱۱۷۳ ق.م. جلوه‌هایی از انحطاط اخلاقی و خطرناک بودن والدین قید شده است و اینجا است که دور ساختن اطفال و نوجوانان بزهکار از والدین ناشایست می‌تواند تا اندازه‌ای به فرایند جامعه‌پذیری این دسته از اطفال و نوجوانان کمک نماید و پیش‌بینی تسلیم کردن آنها به اشخاص داوطلب به‌عنوان یک پاسخ می‌تواند به مناسب‌تر سپری شدن فرآیند اجتماعی شدن آنها بیانجامد.

چهارم) تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است (تبصره بند ب ماده ۸۸ ق.م.ا). لذا مقام‌های قضایی در صورتی می‌توانند نسبت به سپردن اطفال و نوجوانان به اشخاص حقیقی یا حقوقی (داوطلب) تصمیم‌گیری نمایند که آنها قبلاً موافقت خود را اعلام کرده باشند.

بنابراین، اشخاص داوطلب باید دارای صلاحیت لازم جهت نگهداری اطفال و نوجوانان بزهکار باشند و قضات می‌توانند با وجود این شرایط نسبت به سپردن اطفال و نوجوانان بزهکار به اشخاص داوطلب جهت نگهداری و در واقع، دوباره اجتماعی شدن آنها تصمیم‌گیری نمایند. البته با توجه به بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا، این تسلیم کردن صرفاً جنبه مراقبتی دارد و در صورت انتخاب این پاسخ، اشخاص داوطلب باید بر انجام اقدام‌های مندرج در تبصره بند الف ماده مذکور مبادرت ورزند؛ زیرا مطابق تبصره فوق، پیش‌بینی یکی از آن اقدام‌ها در حکم مربوط به تسلیم کردن اطفال و نوجوانان بزهکار به اشخاص داوطلب جنبه اجباری دارد و در نتیجه، سپردن اطفال و نوجوانان بزهکار به اشخاص داوطلب نمی‌تواند بدون تعیین یکی از اقدام‌های پیش‌بینی شده انجام پذیرد.

۲-۱-۳. نصیحت به وسیله قاضی دادگاه (نصیحت قضایی)

نصیحت کردن یعنی کسی را به راه صواب و خیر دلالت و راهنمایی کردن است. نصیحت، یکی از پاسخ‌هایی است که قانون‌گذار در بند پ ماده ۸۸ ق.م.ا پیش‌بینی نموده است. این شیوه که به آن توصیه قضایی نیز گفته می‌شود یکی از تصمیمات

غیرسالب آزادی می‌باشد (نیازپور، ۱۳۹۳، صص ۱۵۱-۱۵۰). این روش برای نخستین بار در بند ۲ ماده ۱۸ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ در نظر گرفته شده بود. این شیوه به قاضی دادگاه اختیار می‌دهد تا بدون آنکه آزادی اطفال و نوجوانان بزهکار را محدود یا سلب نماید با در نظر گرفتن ابعاد مختلف شخصیتی آنان و با توجه به پرونده شخصیت تهیه شده توسط واحد مددکاری اجتماعی و نوع جرم ارتكابی، از این پاسخ جهت آشنا نمودن طفل یا نوجوان بزهکار با ارزش‌های جامعه و یادآوری معیارهای اخلاقی و الزام کلیه شهروندان بر رعایت مقررات و احترام گذاشتن به قواعد اجتماعی و در نتیجه، هدایت به سوی هنجارمند شدن استفاده نماید. البته در ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ قاضی این پاسخ را برای بزهکارانی می‌تواند استفاده نماید که سن آنها بین نه تا پانزده سال تمام شمسی بوده و جرم ارتكابی از جرایم تعزیری باشد.

۲-۱-۴. اخطار و تذکر

اخطار و تذکر یکی از شیوه‌های غیرسالب آزادی است که برای پاسخ‌دهی به اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده است. بر اساس این روش، مقام‌های قضایی به‌طور رسمی به طفل و نوجوان بزهکار اخطار یا تذکر می‌دهند که رفتار ارتكابی آنها ناپسند بوده و ناقض بایدها و نبایدهای کیفری می‌باشد و در صورت تکرار، از واکنش‌های شدیدتری نسبت به آنها استفاده خواهد شد. بنابراین، اخطار و تذکر (یادآوری) شیوه‌ای است که به‌موجب آن، قضات به‌شکل جدی اطفال و نوجوانان بزهکار را به احترام گذاشتن به قوانین و مقررات و ارزش‌های جامعه وادار می‌نمایند (نیازپور، ۱۳۹۳، صص ۱۵۴). این شیوه در بند ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا به‌عنوان یکی از پاسخ‌های ناظر به اطفال و نوجوانان بزهکار پیش‌بینی شده است. البته با توجه به تبصره ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا، تصمیمات مذکور در بند ۱ این ماده فقط در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار ۱۲ تا ۱۵ سال قابل اجرا است. به‌رحال اخطار و تذکر یکی از شیوه‌هایی است که مقنن ما با شناسایی آن، زمینه‌های کاهش استفاده از تدابیر غیرسلب‌کننده آزادی را فراهم نموده است.

۲-۱-۵. اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

اخذ تعهد کتبی از بزهکاران نوجوان شیوه‌ای است که قاضی دادگاه از نوجوانان بزهکار می‌خواهد که به‌صورت کتبی تعهد دهد که دیگر به‌سمت بزهکاری نرود (نیازپور، ۱۳۹۳، صص ۱۵۶). قانون‌گذار در بند ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا اخذ تعهد به عدم تکرار جرم را یکی از

شیوه‌های غیرسالب آزادی برای پاسخ‌دهی به نوجوانان بزهکار پیش‌بینی نموده است. در این بند، اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم می‌تواند به‌عنوان یکی از پاسخ‌هایی باشد به جرایم ارتكابی توسط نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال. البته مطابق تبصره های ۱ و ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مقام قضایی دادگاه می‌تواند از این روش به‌منظور واکنش نشان دادن به اطفال و نوجوانان بزهکار بین ۱۲ تا ۱۵ سال بهره‌جوید.

۲-۱-۶. حکم به معافیت از کیفر

یکی دیگر از تأسیسات حقوقی جدید که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای نخستین بار پیش‌بینی شده است صدور حکم معافیت از کیفر می‌باشد. طبق ماده ۳۹ این قانون، در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت و در تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان، دادگاه در صورت احراز جهات مخففه و پس از احراز مجرمیت چنانچه تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌گردد، در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و با گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان و یا برقراری ترتیبات جبران، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند. صدور حکم به معافیت از کیفر به دو صورت انجام می‌پذیرد:

نخست) به صورت مستقیم: در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت که دارای شرایط مقرر در ماده ۳۹ ق.م.ا هستند دادگاه می‌تواند با احراز شرایط، به‌طور مستقیم حکم به معافیت از کیفر برای اطفال و نوجوانان بزهکار صادر نماید. البته در خصوص اطفال و نوجوانان، دادگاه در تمام جرایم تعزیری در صورت احراز شرایط مقرر می‌تواند حکم معافیت از کیفر صادر نماید.

دوم) در صورت صدور قرار تعویق صدور حکم و ملاحظه گزارش‌های مددکاران اجتماعی در خصوص میزان پایداری مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه و براساس ماده ۴۵ ق.م.ا به تعیین کیفر با صدور حکم به معافیت از کیفر اقدام می‌کند. بنابراین، شرایط صدور حکم به معافیت از کیفر در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار عبارتند از:

الف) احراز مجرمیت طفل یا نوجوان بزهکار توسط دادگاه

ب) احراز جهات تخفیف

ج) پیش‌بینی اصلاح مرتکب (تشخیص دادگاه به اینکه با عدم اجرای مجازات مرتکب

اصلاح شود).

د) فقدان سابقه کیفری مؤثر

ه) گذشت شاکی و جبران زیان یا برقرار کردن ترتیبات جبران ضرر

و) پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه حسب گزارش‌های مددکاری اجتماعی (ماده ۴۵ ق.م.ا).

۲-۱-۷. صدور قرار تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات یکی از واکنش‌های دادگاه در برابر جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان بزهکار می‌باشد. بر این اساس، اجرای پاسخ‌های عدالت کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار به حالت تعلیق درمی‌آید تا امکان ارزیابی رفتار طفل یا نوجوان بزهکار در مدت تعلیق فراهم گردد (نیازپور، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵) و علاوه بر آن، فرصتی نو به بزهکار داده می‌شود تا در مدت تعلیق، خود را اصلاح نموده و در صورتی که مرتکب جرمی نگردد، سابقه او از سجل کیفری حذف خواهد شد. در تعلیق اجرای مجازات، دادگاه اختیار دارد که اجرای مجازات تعیین شده را در برخی موارد و برای مدت معینی تعلیق کند تا بزهکار در صورت عدم ارتكاب جرم جدید، از تحمل مجازات معاف گردد. طبق ماده ۴۶ ق.م.ا، «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید...». همچنین، تعلیق اجرای مجازات، هم ضمن صدور حکم و هم در حال تحمل مجازات امکان‌پذیر می‌باشد.

بنابراین، شرایط صدور قرار تعلیق اجرای مجازات عبارتند از:

الف) جرایم ارتكابی از جرایم تعزیری باشند

ب) وجود جهات تخفیف

ج) پیش‌بینی اصلاح مرتکب توسط دادگاه

د) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران ضرر

ه) فقدان سابقه کیفری مؤثر

طبق ماده ۴۶ ق.م.ا در جرایم تعزیری، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مؤثر برای تعویق صدور حکم، تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال تعویق نماید و بر اساس ماده ۴۸ این قانون، قرار تعلیق اجرای مجازات مانند تعویق صدور حکم ممکن

است به طور ساده یا مراقبتی باشد. البته طبق ماده ۹۴ ق.م.ا، «دادگاه می تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، ... اجرای مجازات را معلق کند». براساس ماده ۴۹ این قانون نیز «قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می گردد ...».

۲-۱-۸. انجام خدمات عمومی رایگان (خدمات عام المنفعه)

انجام خدمات عمومی رایگان روشی است که مقنن به عنوان پاسخی جامعه مدار در اختیار دادگاه های رسیدگی کننده به جرایم نوجوانان قرار داده است. براساس ماده ۸۴ ق.م.ا انجام خدمات عمومی رایگان خدماتی است که به موجب آن نوجوان بزهکار، به کار کردن رایگان در یک دوره معین محکوم می گردد و به عبارت دیگر خدماتی است که محکوم علیه نوجوان بدون دریافت دستمزد، به حکم دادگاه و به نفع جامعه انجام می دهد. اجرای خدمات عمومی رایگان برای محکوم علیه آمیخته ای از فشارهای جسمی و روانی است؛ چراکه از یک طرف موجب محدودیت آزادی و ایجاد انضباط و احترام به دیگری گشته و از طرف دیگر بزهکار نوجوان را در وضعیتی قرار می دهد تا لیاقت ها و شایستگی های خود را در عمل بروز دهد. انجام خدمات عمومی رایگان این فرصت را به بزهکار نوجوان اعطا می کند که بتواند اشتباهی را که مرتکب شده است از طریق سازنده جبران نماید و هدف اصلی آن هم انجام مجازاتی است که در بطن جامعه و با روش سخت گیرانه و مقید و ایجاد موقعیت مناسب برای بازگشت نوجوان به جامعه و جلوگیری از تکرار جرم می باشد. در ماده ۸۴ ق.م.ا خدمات عمومی رایگان تعریف شده است و آن عبارت از «... خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین ... مورد حکم واقع می شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می گردد ...». البته دادگاه باتوجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی و روانی، شغل و مهارت نوجوان به انجام خدمات عمومی رایگان حکم می دهد. بر اساس ماده ۸۹ ق.م.ا، دادگاه می تواند نوجوانانی را که مرتکب جرایم تعزیری درجه پنجم و شش می شوند و سن آنها بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی می باشد، به انجام خدمات عمومی رایگان محکوم نماید.

۲-۱-۹. صدور قرار تعویق صدور حکم

بر اساس ماده ۴۰ ق.م.ا، «در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و

اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است و در صورت وجود شرایط ... صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد ...». البته برای جرایمی که توسط اطفال یا نوجوانان انجام می‌شود طبق ماده ۹۴ ق.م.ا دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی آنها صدور حکم را به تعویق اندازد و یا اجرای مجازات را معلق کند.

تعویق صدور حکم به دو صورت «ساده» و «مراقبتی» امکان‌پذیر است (ماده ۴۱ ق.م.ا). «در تعویق ساده مرتکب به‌طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به‌وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود» (بند الف ماده ۴۱ ق.م.ا) و «در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به‌وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به‌موقع اجراء گذارد» (بند ب ماده ۴۱ ق.م.ا). از مواد ۴۰، ۴۱ و ۹۴ ق.م.ا چنین برداشت می‌شود که قانون‌گذار با پیش‌بینی تعویق صدور حکم در صورت این بوده است که فرصت مجددی به اطفال و نوجوانان بزهکار اعطا نماید تا در صورت تعویق صدور حکم، رفتار خود را اصلاح نمایند و به‌عبارت دیگر، قانون‌گذار قصد حمایت از اطفال و نوجوان بزهکار را داشته است تا نسبت به گذشته خود تجدیدنظر نمایند و از محکوم شدن به واکنش‌های محدودکننده سلب آزادی اجتناب گردد.

۲-۱-۱۰. جزای نقدی

جزای نقدی مجازاتی است که مجرمان در راستای نقض قوانین و مقررات اجتماعی و ارتكابی موظف به پرداخت آن می‌شوند. در حقوق کیفری ایران این مجازات به‌عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی برای نوجوانان بزهکار پیش‌بینی شده است. این مجازات را می‌توان در زمره مجازات‌های غیرسالب آزادی و نیز جایگزینی مناسب برای دیگر مجازات‌ها و برخی از مجازات‌های سالب آزادی در جرایم سبک تلقی نمود.

قانون‌گذار در تعیین میزان این مجازات و نحوه اجرای آن، سیاست‌های گوناگونی را پیش‌بینی نموده است تا کارایی آن را با در نظر گرفتن وضعیت بزهکار از یک سو و ماهیت جرم ارتكابی از سوی دیگر حفظ نماید. در این راستا، میزان جزای نقدی گاهی به‌صورت ثابت و گاهی به‌صورت نسبی (متغیر) در نظر گرفته شده است.

به‌طور کلی جزای نقدی را می‌توان به سه دسته جزای نقدی ثابت، جزای نقدی نسبی (متغیر) و جزای نقدی روزانه تقسیم‌بندی نمود.

۲-۱-۱-۱-۱. جزای نقدی ثابت

جزای نقدی ثابت، مبلغی وجه نقد معین و مشخص است که توسط قانون‌گذار در قانون به‌طور صریح معین و پیش‌بینی شده است و گاهی برای آن حداقل و حداکثری در نظر گرفته شده که میزان آن مشخص است ولی قاضی باید از حداقل تا حداکثر میزان آن را تعیین نماید.

۲-۱-۱-۲. جزای نقدی نسبی

جزای نقدی نسبی مجازاتی است که میزان آن برحسب مورد و بر اساس معیار خاصی که در قانون مطرح است، تا چند برابر درآمدهای ناشی از جرم به‌نفع دولت تعیین می‌گردد و مجرم موظف به پرداخت آن می‌باشد. البته هدف از این نوع مجازات آن است که متهم را از تلاش برای به‌دست آوردن سود نامشروع برحذر دارند.

۲-۱-۱-۳. جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه، میزان مبلغی است که برحسب روز و با توجه به میزان درآمد مجرم (محکوم‌علیه) تعیین می‌شود. جزای نقدی روزانه به‌عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین حبس پیش‌بینی شده است و در ماده ۸۵ ق.م.ا در تعریف آن آمده است: «جزای نقدی روزانه عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم ...». جزای نقدی روزانه شیوه جدیدی در برقراری عدالت در اجرای مجازات محسوب می‌گردد تا نابرابری میان تهی‌دستان و توانگران را در پرداخت آن به کمترین میزان ممکن برساند. درحقیقت در این شیوه، میزان جزای نقدی بر مبنای درآمد روزانه محکومان محاسبه می‌شود. درجه‌بندی پرداخت جزای نقدی ثابت در ماده ۸۹ ق.م.ا یکی از پاسخ‌هایی است که قانون‌گذار در برخورد با نوجوانان بزهکار پیش‌بینی نموده است که عبارتند از:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج باشد، پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون ریال (بند پ ماده ۸۹ ق.م.ا).

ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش باشد، پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال (بند ت ماده ۸۹ ق.م.ا).

ج) در جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت باشد، پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال (بند ث ماده ۸۹ ق.م.ا).

ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار با لحاظ معیار تناسب جرم با کیفر، به درجه‌بندی

جزای نقدی مبادرت نموده است و از این رهگذر، به شکل متناسب‌تری به بزهکاری نوجوانان پاسخ داده می‌شود.

جزای نقدی که جلوه بارزی از اندیشه فردی کردن مجازات‌ها است، از یک طرف، تحقیق پیرامون وضع مالی محکوم‌علیه به دادگاه اجازه می‌دهد تا توانایی او را در پرداخت جزای نقدی و اطمینان از آن بسنجد و از طرف دیگر، در اجرا بدون آنکه محکوم‌علیه از بقیه عواید روزانه خود محروم شود، بتواند هر ماهه بخشی از اندوخته خود را به خزانه دولت بپردازد. همچنین، جزای نقدی اولین جایگزین مجازات حبس محسوب می‌گردد.

۲-۲-۲. واکنش‌های قضایی که منجر به سلب آزادی محدود از کودکان و نوجوانان بزهکار می‌گردد

۲-۲-۲-۱. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت

نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یکی از پاسخ‌های شدید به جرایم اطفال و نوجوانان است که آزادی آنها را در یک دوره معین سلب می‌کند. پاسخ‌های سالب آزادی دارای شیوه‌های گوناگونی است که یکی از آنها نگهداری اطفال و نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت است. در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یکی از تصمیمات مهم و شدید دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۸۹ قانون فوق، این نوع پاسخ برای نوجوانانی است که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است و این پاسخ در ماده ۴۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر شده بود. همچنین، تبصره ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است و در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تصمیم به سلب آزادی به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در بند ث ماده ۸۸ ق.م.ا و در بندهای الف، ب و پ ماده ۸۹ این قانون پیش‌بینی شده است و شدیدترین پاسخ به جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان بزهکار می‌باشد. البته بندهای ت و ث ماده اخیرالذکر فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است و اعمال این مقررات در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را

مرتکب شده باشند، الزامی است.

۲-۲-۲. نگهداری پاره‌وقت در کانون اصلاح و تربیت (دو روز آخر هفته)

یکی دیگر از تصمیمات سالب آزادی نوجوانان بزهکار، نگهداری پاره‌وقت آنها در کانون اصلاح و تربیت در پایان هفته (روزهای پنجشنبه و جمعه) است. این شیوه در تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا به رسمیت شناخته شده است و به عبارت دیگر، نگهداری پاره‌وقت در کانون ما نیز پیش‌بینی گردیده است. بر اساس این شیوه، اطفال و نوجوانان در روزهای پایان هفته یعنی روزهای پنجشنبه و جمعه به جای حضور نزد خانواده خود، در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند. به این ترتیب، نظام حقوق کیفری ما با تکیه بر این شیوه، آزادی اطفال و نوجوانان بزهکار را فقط در روزهای پایان هفته سلب می‌کند تا به این واسطه، این دسته از بزهکاران ضمن تحمل کیفر از پاسخ‌های کیفری، امکان گذراندن زندگی به شکل عادی را هم داشته باشند. به موجب تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا، دادگاه می‌تواند به جای صدور حکم به مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی و ... به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد. بنابراین، مقام‌های قضایی نمی‌توانند در خصوص بزهکاران زیر ۱۵ سال از این روش استفاده نمایند و صرفاً به نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال اختصاص داده شده است.

۳-۲-۲. اقامت در منزل (حبس خانگی، حبس در منزل، سلب آزادی نوجوانان بزهکار در منزل)

اقامت در منزل، یکی از پاسخ‌های سلب آزادی نوجوانان بزهکار در سامانه عدالت کیفری است. در پرتو این پاسخ، آزادی نوجوانان بزهکار به جای سلب شدن او در محیط کانون اصلاح و تربیت، در منزل گرفته می‌شود تا این دسته از بزهکاران ضمن ماندن در کنار خانواده خود، به تحمل واکنش‌های عدالت کیفری مبادرت ورزند.

سلب آزادی نوجوانان بزهکار با توجه به سیاست‌های متفاوتی که در این زمینه اتخاذ شده است معمولاً به دو روش تمام‌وقت و پاره‌وقت صورت می‌پذیرد. در تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا مقرر شده است: «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی ... به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند ... حکم دهد».

قانون در خصوص این شیوه، اختیار کاملی به دادگاه‌ها اعطا نموده است و آنها

می‌توانند یکی از روش‌های زیر را برگزینند:
 نخست) اقامت کامل در منزل است که آزادی این دسته از اطفال و نوجوانان را به‌طور شبانه‌روزی برای یک دوره معین سلب می‌کند و از این رو، نوجوانان بزهکار نمی‌توانند در مدت تعیین شده از منزل خارج شوند.
 دوم) آزادی نوجوانان بزهکار در ساعت‌هایی از شبانه‌روز سلب می‌گردد. براساس این شیوه، این دسته از بزهکاران می‌توانند در برخی از ساعت‌های شبانه‌روز در بیرون از منزل به تحصیل و یا دیگر فعالیت‌ها مبادرت ورزند و فقط در ساعت‌های معین شده به بیرون از منزل بروند.

از فواید این شیوه (حبس خانگی) این است که نوجوانان بزهکار را از محیط زندان و جذب شدن در گروه‌های مجرمانه و همچنین پذیرش انگ بزهکارانه دور می‌سازد و این روش صرفاً در محیط خانه و بی‌آنکه در جریان متعارف عادی زندگی خللی ایجاد شود صورت می‌پذیرد.

۲-۲-۴. سلب نیمه‌وقت آزادی اطفال و نوجوانان بزهکار

روش نیمه‌آزادی از جمله پاسخ‌های کیفی است که می‌توان از آن نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار هم استفاده نمود (نیازپور، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲). به‌موجب این شیوه، بزهکاران مدتی از دوران حبس را در بیرون از محیط کانون و سایر وقت‌ها را در کانون اصلاح و تربیت سپری می‌کنند. در پرتو این شیوه، محکومان به پاسخ‌های سالب آزادی، بدون مراقبت در خارج از کانون به انجام فعالیت‌های آموزشی، حرفه‌ای، درمانی و مواردی مانند اینها مبادرت می‌ورزند و شب‌ها را در کانون اصلاح و تربیت می‌گذرانند. این شیوه در ماده ۵۶ ق.م.ا. شناسایی گردیده است.

سلب نیمه‌وقت آزادی (نگهداری شبانه) شیوه‌ای است که براساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از کانون انجام دهد. البته به‌موجب ماده ۵۷ ق.م.ا. به‌کارگیری این روش به وجود شرایط متعددی وابسته است که عبارتند از:

الف) جرم ارتكابی از جرایم تعزیری باشد

ب) موافقت اطفال و نوجوانان بزهکار با این پاسخ

ج) ترمیم زیان‌های وارده

د) سپردن تأمین.

نتیجه

حقوق کودکان و نوجوانان بزهکار با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ دچار تحول بنیادین گردید و این تحول در حوزه حقوق کیفری ماهوی (در قانون مجازات اسلامی) متجلی گردیده است. در این قانون نوآوری‌های مهمی در حوزه کودکان و نوجوانان بزهکار رخ داده است که بسیار قابل توجه می‌باشند و سیاست جنایی ما را در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار به‌طور کامل مشخص و تبیین نموده است. در سیاست جنایی تقنینی در قبال کودکان بزهکار، مقنن اقدام به برقراری رژیم مسؤولیت کیفری تدریجی برای کودکان نموده است و آنها را به چهار دسته طبقه‌بندی نموده است و اشخاص زیر ۹ سال را به‌طور مطلق از مسؤولیت کیفری مبری دانسته است و برای سایر اشخاص زیر ۱۸ سال برای هر طبقه واکنش‌های مناسبی را در قانون پیش‌بینی نموده است و تدابیر تنبیهی و اصلاح و جایگزین آن را با پاسخ‌های اصلاحی و ترمیمی و استفاده از پاسخ‌های کیفری فرصت‌بخش فراهم نموده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. جمشیدی، علیرضا؛ گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
۲. فرج‌الهی، رضا؛ جرم‌شناسی و مسؤولیت کیفری، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳. میرسعیدی، میرمنصور؛ مسؤولیت کیفری، قلمرو و ارکان، نشر میزان، ۱۳۸۳.
۴. نیازپور، امیرحسن؛ حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرآیند پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان)، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.

ب. قوانین و مقررات و اسناد بین‌المللی

۵. پیمان‌نامه حقوق کودک سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۹.
۶. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
۷. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
۸. قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸.
۹. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
۱۰. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Criminal Policy Against Children and Juvenile Delinquents in the Judiciary of the Islamic Republic of Iran

Alireza Jamshidi*

Ahmad Mozaffari**

Received: 17/3/2018

Accepted: 23/4/2018

Abstract

This article deals with a specific and differential criminal policy against criminal children and adolescents in Iran. Not recognizing the necessity of a specific and effective criminal policy against children and adolescents created a problem that bothered our legal community. However, the legislator finally paid special attention to the criminal behavior of criminal children and adolescents and according to their particular situation, several peculiar solutions and responses stipulated in penal laws. One of these responses in the substantive provisions on criminal children and juvenile relates to the selected responses to this kind of delinquency and this change should be considered in the context of Iran's accession to the Convention on the Rights of the Child, adopted on November 20, 1989. In this regard, corrective, social, educational, corrective criminal and alternative responses of the recent legislation to punishment may be mentioned. In the same vein, new institutions for dealing with such developments are created and this paper is to examine such responses and institutions.

Key words: Child offenders, Criminal Responsibility, Gradual Responsibility, Social Responsibility, Substitute punishment.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*Assistant Professor at Law Faculty of Central Tehran Branch of Islamic Azad University.
jamshydy@gmail.com

**Ph.D Student of Criminal Law and Criminology at Damghan Branch of Islamic Azad University.
ahmad_mozaffari@yahoo.com